

مسیر درست همکاری دولت و آژانس

دستاورد ۲ سال عدم همکاری با آژانس و احیانشدن برجام چیست؟

داوود حشمتی؛ مسیر درستی که ایران در همکاری با آژانس انرژی اتمی آغاز و احتمالا به بسته‌شدن دو مورد از چهار پرونده اخیر ایران در آژانس ختم می‌شود، بدون وا همه از جریان راست افراطی، باید دنبال شود. ضمن آنکه این حق برای مردم همچنان محفوظ است که بپرسند چرا این مسیر تاکنون دنبال نشده بود و دستاورد رویکرد تقابلی با آژانس در دو سال گذشته چه بوده است؟

این مهم نیست که راه‌فائل گروسی در اظهارنظر اخیر خود گفته است «فصل اجرای بیابیه مشترک ایران و آژانس[آغاز و پیشرفت‌هایی حاصل شده است، اما نه به اندازه‌ای که من امیدوار بودم». حتی شاید چندان اهمیتی نداشته باشد که گروسی در قبال این اظهارنظر که «پاسخ‌های ایران آژانس را قانع کرده» و «دو پرونده ایران بسته شده است»، می‌گوید: «بسته‌شدن موضوع یا پایان‌یافتن سوالات بازرسان درباره این مرکز صحت ندارد». مهم این است که گروسی بر وجود این همکاری تأکید کرده و گفته است: «پاسخ ایران به سوالات آژانس درباره منشأ آثار اورانیوم کشف‌شده ممکن است صحیح باشد.»

روز سه‌شنبه ۱۶ خرداد ۱۴۰۲، محمد مرتدی که گفته می‌شود «مشاور تیم مذاکره‌کننده هسته‌ای ایران است»، مدعی شده «دولت‌های غربی مدام در مورد فعالیت هسته‌ای ایران دروغ می‌گویند و امروز این موضوع ثابت شده است. پس از حل‌وفصل دو پرونده اخیر، تعداد پرونده‌های موجود در آژانس بین‌المللی انرژی اتمی درباره برنامه هسته‌ای ایران کاهش یافته است».
تأ آتجا که پیش از این می‌دانستیم، آژانس سه پرونده در رابطه با فعالیت‌های هسته‌ای ایران در دستور کار داشته و خواستار توضیح درباره منشأ ذرات غنی‌شده‌ای بود که در سه مرکز «آباد، ورامین و ترقوَرزآباد» پیدا شده بود. با پیداشدن ذرات ۸۴ درصد غنی‌شده، این پرونده‌ها به چهار عدد افزایش یافت.
بعد از چند دور مذاکرات در دولت رئیسی، پیش‌شرطی که صراحتا ایران (در گفت‌وگوهای رئیس‌جمهور و مقامات مذاکره‌کننده) مطرح کرد، نه حذف سپاه از لیست تئورستی، نه دریافت ضمانت عدم خروج آمربیکا از برجام و نه دریافت غرامت از آمریکا بود؛ بلکه تنها پیش‌شرط ایران بسته‌شدن پرونده‌ها در آژانس ذکر شد. در عین حال بر اساس قانون

راهبردی لغو تحریم‌ها که مجلس یازدهم در آذرماه ۹۹ تصویب کرد، همکاری با آژانس و حتی اجرای داوطلبانه پروتکل الحاقی در صورت عدم رفع تحریم‌ها از سوی آمریکا و کشورهای غربی باید متوقف می‌شد.

قانون دست‌پخت راست افراطی

قانون اقدام راهبردی مجلس در آذرماه ۹۹ تصویب شد. درباره این قانون دو نکته اهمیت دارد؛ اولاً اینکه این قانون همان طرحی بود که کریمی‌قدوسی و دوستانش در شهریور ۹۹ و در ماه‌های پایانی دولت ترامپ بسا عنوان «اقدام متقابل علیه دولت آمریکا» به مجلس بردن تا تقابل میان ایران و آمریکا را بیشتر کنند. بعدها تنها چند بند آن تغییر کرد و با نام جدید قانون «اقدام راهبردی لغو تحریم‌ها» تصویب شد. دوم اینکه این قانون درست پس از آنکه قطعی شد ترامپ نتوانسته به پیروزی برسد و احتمال حضور بایدن و دموکرات‌ها در کاخ سفید بالا رفت، در مجلس تصویب شد.

بنابراین مجلس که تلاش داشت با گذاشتن زمان معین برای دولت، کاری کند تا بایدن حتی اگر می‌خواست هم دیگر

«شرق» پررنگ‌تر شدن زرمزه‌ها درباره «توافق موقت» را بررسی می‌کند

بوی توافق موقت به مشام می‌رسد؟

توافق بر سر برجام به حل‌وفصل سریع مشکلات کمک کند». البته اولیانوف همیشه دست به توپیت در توپیت دیگری عنوان کرد که «آیا عدم آمادگی مذاکره‌کنندگان غربی برای نهایی‌سازی مذاکرات وین به معنای آن است که با وجود تمامی شکایت‌هایشان، آنها کم و بیش از وضعیت کنونی مسائل پیرامون برنامه هسته‌ای ایران راضی هستند؟ اگر نیستند چرا دیپلماسی را رها کرده‌اند؟». اولیانوف در جلسه شورای حکام نیز از ضرورت حمایت برای احیای برجام گفت و عنوان کرد که «حال ما بیش از هر زمان دیگری به موضوع روشن شورای حکام در حمایت از احیای برجام نیاز داریم. ما نباید درباره نقشه جایگزینی که بتواند از پیدایش مشکلات جدید جلوگیری کند، توهم داشته باشیم. هیچ نقشه جایگزینی وجود ندارد و در آینده نیز وجود نخواهد داشت.»

اما هوشنگ نصیرزاده، اساسا ادعای روسیه و شخصی چون اولیانوف را به دور از واقعیتی می‌داند، چراکه آن دیدگاه او، در هفته‌های اخیر زرمزه برخی تحرکات پشت پرده با میانجیگری عمان و دیگر کشورهای منطقه‌ای و برافراطی‌های برای اجارشدن یک «توافق موقت» به گوش می‌رسد. البته این مفسر حوزه سیاست خارجی معتقد است گفته‌های اولیانوف درباره رد هرگونه توافقی به جز احیای برجام به این واقعیت مهم اشاره دارد که «توافق جدید، سناریوی مدنظر طرف غرب است، به همین دلیل مسکو، پکن و تهران، فعلا تمایلی به توافق موقت ندارند». اما محمدنعم انوری ارزیابی کاملاً متفاوتی از نصیرزاده دارد، چون به گفته این تحلیلگر، «توافق موقت اگرچه به معنای بازگشت به برجام نیست، اما یک حرکت رو به جلو برای یک توافق وسیع‌تر با هدف برون‌رفت از بحران است». به همین دلیل انوری در ادامه کپ‌وکفتش با «شرق» معتقد است که تهران هم نیم‌نگاهی به انجام مذاکرات برای توافق موقت خواهد داشت، اگرچه به گفته او، شاید در مواضع متعدد مقامات داخلی عنوان شود که چیزی به نام توافق موقت در دستور کار نیست و هرگونه مذاکراتی برای احیای برجام سال ۲۰۱۵ خواهد بود.
باین‌حال انوری رصد برخی اخبار و شنیده‌شدن زرمزه آزادی پول‌های بلوکه‌شده ایران به موازات سفر رئیس بانک مرکزی دولت رئیسی به آمریکا را مؤید آن می‌داند که تهران هم با سناریوی توافق موقت همراه شده است. در راستای آنچه انوری عنوان کرد خبرگزاری ایسنا ادعا کرده که «در پی سفر سلطان عمان به ایران و براساس اطلاعاتی به‌دست‌آمده، زورودی مبلغی بیش از ۲۴ میلیارد دلار از منابع ارزی بلوکه‌شده ایران در عراق و کره جنوبی و از طریق منابع قابل دسترس کشورمان در صندوق بین‌المللی پول وارد ایران خواهد شد.»

به گفته خبرگزاری مذکور، از این میزان ارز (۲۴ میلیارد دلار)، هفت میلیارد دلار منابع ارزی بلوکه‌شده ایران در کره جنوبی و بالغ بر ۱۰ میلیارد دلار آن منابع بلوکه‌شده ایران در عراق است که عمده آن به صادرات انرژی به این کشور همسایه بازمی‌گردد. در پی سفر سلطان عمان به ایران و سفر مشاور بایدن، رئیس‌جمهور آمریکا به عمان مقرر شده تا در قالب تقاضی‌ها با ایران این منابع بلوکه‌شده آزاد شود. همچنین در پی دیدار فرزین، رئیس کل بانک مرکزی ایران با جورجیاو رئیس صندوق بین‌المللی پول در واشنگتن مقرر شد تا ایران بتواند به بیش از ۶٫۷ میلیارد دلار حق برداشتن ویژه خود دسترسی داشته باشد. البته دیدن پیش علی شریعتی، عضو اتاق بازرگانی ایران و عراق هم از آزادسازی دو میلیارد دلار از منابع ارزی بلوکه‌شده ایران تا دیروز دوشنبه (۱۵ خرداد) خبر داد.

البته هوشنگ نصیرزاده در گفت‌وگوی خود با «شرق»، ارزیابی کاملاً متفاوتی از انوری دارد و معتقد است با توجه به مجموعه اقدامات ایران طی هفته‌های اخیر برای آزادی زندانیان اتباع اروپایی و نیز تلاش برای آزادکردن زندانیان دوتابعیتی ایرانی – آمریکایی این احتمال وجود دارد که آزادسازی پول‌های بلوکه‌شده ایران در کره جنوبی، عراق و دیگر جاها در این راستا و توافق پشت پرده ایران و غرب بر سر تعیین تکلیف زندانیان دوتابعیتی و زندانیان سیاسی باشد، نه توافق موقت هسته‌ای، به‌خصوص آنکه نصیرزاده از دیدار اخیر رابرت مالی با سعید ابروانی درباره تبادل زندانیان آمریکایی سخن می‌گوید. البته در راستای اشاره نصیرزاده، ودانت پابل (معاون سخنگوی وزارت خارجه آمریکا) درخصوص ادعای فاینشال‌تایمز پیش‌تر فاینشال‌تایمز از قول رئیس‌جمهور، ودانت پابل (معاون ملل)، پیرامون تبادل زندانیان دوتابعیتی به ذکر این جمله کوتاه بسنده کرد که «او چیزی برای گفتن در این زمینه ندارد.»

پیش‌تر فاینشال‌تایمز از درخصوص برنامه هسته‌ای ایران مطرح کرد. جدی‌گرفتن آنها سخت است؛ چراکه آمریکا و تروینکا ابرویایی می‌توانند با بازگشت به مذاکرات وین برای نهایی‌سازی

به توافق هسته‌ای بازنگردد، اما در اسفند ۹۹ با ابتکار دولت وقت و توافق با دبیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، در وضعیت سختی قرار گرفت و کنترلش را از دست داد. مجلس اعلام کرده بود دولت موظف است اجرای داوطلبانه پروتکل الحاقی را متوقف کند و با این کار دسترسی‌های آژانس را به بازرسی از مراکز هسته‌ای ایران لغو کند. دولت نیز در ابتدای اجرای این قانون بعد از حضور رافائل گروسی در تهران توافقی صورت داد که طی آن دسترسی‌های آژانس قطع خواهد شد؛ باین‌حال، فعالیت‌های ایران برای سه ماه در دوربین‌ها ضبط شده ولی در اختیار آژانس قرار نمی‌گیرد.

همین مسئله که در واقع فرصتی سه‌ماهه برای احیای برجام در اختیار دولت روحانی باقی می‌گذاشت، خشم ضدبرجامیان را در آن زمان برانگیخت. مجلس ناگزیر شد صبح روز دوشنبه چهارم اسفند ۹۹ رسیدگی به بودجه را رها کند و جلسه‌ای غیرعلنی تشکیل دهد. اما کار در جلسه غیرعلنی هم سامان نیافت. نطق‌های آتشین آنها در جلسه علنی نشان می‌داد تا چه اندازه ناراحت هستند.

در همان جلسه مجتبی ذوالنوری، رئیس کمیسیون امنیت ملی گفت: «تا قانون اقدام راهبردی برای لغو تحریم‌ها اجرا و بیابیه مشترکی که روز گذشته منعقد شد، پاره نشود، هیچ مقام دولتی حق ورود به مجلس را ندارد.»

زاکانی گفت: «بیابیه سازمان انرژی اتمی هم خلاف قانون اساسی است، هم خلاف قانون مجلس و هم فرمایشات رهبر انقلاب». احمد علی‌زاییکی، نماینده مردم تبریز گفت: «توافق

ایران و آژانس درواقع دوزدن قانون است و عدم اجرای پروتکل الحاقی در لفظ بود. بنا شد تا متخلفان در اجرای قانون اقدام راهبردی برای لغو تحریم‌ها، به دادگاه معرفی شوند». این در حالی بود که بارها حسن روحانی تکرار کرده بود امکان احیای برجام در اسفند ۹۹ وجود داشت. حالا اما در چرخشی جدید، از اسفند سال گذشته دولت همکاری با آژانس را افزایش داده و حتی برای اولین بار دستگاهی در فردو نصب شده که میزان اورانیوم غنی‌شده را هم تشخیص می‌دهد و ثبت می‌کند. طرف به درستی اشاره کرده است که این اقدامات با قانون اقدام راهبردی مجلس در تضاد است؛ باین‌حال می‌بینیم که نه مجلس و نه جریان راست افراطی نسبت به آن واکنشی نشان ندادند. بنابراین باید از این حرکت درست استقبال کرد. ضمن تأیید فعالیت اخیر دولت و توصیه به اینکه از مخالفت‌های احتمالی جریان راست افراطی نباید واهمه داشته باشد، باید از دولت خواست برای بسته‌شدن همه پرونده‌های ایران همکاری لازم را در قالب توافق با آژانس به شرط حفظ منافع کشور صورت دهد.
با این وجود باید از دولت پرسید اگر آن‌طور که مشاور تیم مذاکره‌کننده ادعا می‌کند، همکاری اخیر منجر به بسته‌شدن دو پرونده ایران شده است، چرا تاکنون این همکاری‌ها صورت نگرفته است؟ تفاوت امروز با دو سال قبل در کجاست که از اسفند ۹۹ تا امروز این همکاری صورت نگرفته است؟ دستاورد دو سال عدم همکاری و بازآشیدن هر چه بود که تاکنون به این امر اقدام نکردید ایران و اقتصاد ایران، چه بود که تاکنون به این امر اقدام نکردید و در جهت مخالفت با قانون مصوب مجلس قدمی برداشتید؟



پیرو این گزارش، محمدنعم انوری در بخش دیگری از ارزیابی خود به «شرق» اعتقاد دارد با وجود آنکه «ایران و آژانس در یک حرکت تاکتیکی به سمت فصلی تازه از همکاری رفته‌اند»، اما از منظر او، ایران نمی‌خواهد پرونده‌اش به شورای امنیت برود و مکانیسم ماشه فعال شود، چراکه گزارش آژانس در فعال‌شدن مکانیسم ماشه بسیار مهم است؛ پس تهران در تلاش است که شرایط از کنترل خارج نشود و در مقابل، غرب هم خواهان آن است که نوعی کنترل هسته‌ای را بر ایران اعمال کند، با این هدف که شرایط فنی برای شکل‌گیری توافق مهیا شود. این هدف مشترک از زاویه دید انوری سبب شده تا دو طرف به سمت همکاری محدود و سطحی از مذاکرات برای توافق موقت پیش روند.

البته هوشنگ نصیرزاده پیرو تحلیل محمدنعم انوری در این بخش نکات دیگری را مطرح می‌کند و از برخی تحولات مانند رونمایی از موشک هایپرسونیک و فراصوت «فتا» توسط ایران، اعمال تحریم‌های جدید آمریکا در این رابطه و نیز نقش مخرب اسرائیل می‌گوید که می‌تواند به عنوان تلاش‌هایی در راستای ارتقای توان چانه‌زنی برداشت شود.

در راستای نکته نصیرزاده درباره نقش مخرب اسرائیل، هآآرتص هم در ادامه گزارش خود معتقد است «درحالی‌که آمریکایی‌ها به دنبال راهی برای بازگشت به مذاکرات با ایران هستند، اسرائیل، تهدیداتش را افزایش داده است. هفته گذشته به دنبال اظهارات مقامات ارشد امنیتی در کنفرانس هرتزلیا، تنش‌ها افزایش یافت. در این هفته، رزمایش بزرگی که توسط ستاد کل ارتش اسرائیل به نام مشت قاطع برگزار شده است، جلب توجه می‌کند.»

این رزمایش یک سناریوی «دیگری در چند جبهه هم‌زمان» را پیاده می‌کند و به عبارت دیگر، هدف آن بررسی چگونگی مقابله ارتش در جنگی است که هم‌زمان در چندین جبهه آغاز می‌شود. با توجه حال و هوای این روزها، مطمئناً ایران نیز در این سناریو جایگاهی دارد. کابینه کنونی تل‌آویو چند میلیارد شیکل (واحد پول اسرائیل) به ارتش برای تقویت آمادگی‌ها برای حمله احتمالی آینده به ایران اختصاص داده است. دولت بنت-لیئید نیز همین روند را دنبال می‌کرد.

برای دومین بار در یک ماه و هشتمین بار در ۱۴ ماه گذشته، ژنرال مایکل کوپولا، فرمانده ستکام، به اسرائیل سفر کرده است. کوپولا که برای مشاهده رزمایش آمده بود، با یوآو کالانت، وزیر دفاع و هرتزل هالوی، رئیس ستاد ارتش اسرائیل، ملاقات کرد؛ اما این تنها اشتیاق به صهیون نیست که او را به اینجا می‌آورد. مانند دیگر سفرهای اخیر مقامات ارشد دولت بایدن به اسرائیل، کوپولا نیز تا حدی برای ایفای نقش مراقبتی به اسرائیل سفر کرده است؛ به منظور اطمینان از اینکه اسرائیل از همکاری با ایالات متحده خشنود است و برای حرکت‌های مستقل و غافلگیرکننده درباره ایران برنامه‌ریزی نمی‌کند. به گفته این روزنامه اسرائیلی، «اگر دولت بایدن واقعا مایل به ازسرگیری مذاکرات باشد، تهدیدهای مکرر اسرائیل علیه ایران لزوماً برای واشنگتن بد نیست. یک تهدید نظامی معتبر می‌تواند تا حدودی به تحریک تهران برای دستیابی به توافق کمک کند؛ اما در عمل، علی‌رغم آمادگی‌های روزافزون و گسترده، ایران نیز قادر به درک وضعیت در حال تحول منطقه است.»

روابط بایدن با نتانیاهو به دلیل تلاش نتانیاهو برای تصویب قوانین کودتاگونه اصلاحات قضائی و اتحاد نامقدسی که با احزاب راست افراطی ایجاد کرده، همچنان پرتنش است. او در حال حاضر با گذشت بیش از پنج ماه از تشکیل دولتش، موفق به دریافت کارت دعوت برای سفر به کاخ سفید نشده است. طبیعتاً اگر پیشرفتی در کاتال سعودی اتفاق بیفتد، این وضعیت تغییر خواهد کرد. احتمال اینکه نتانیاهو برخلاف نظر ایالات متحده به ایران حمله کند، بعید است؛ به‌ویژه اگر توافق جدید آمریکایی-ایرانی شکل بگیرد. اسرائیل برای هر حرکتی، چه از نظر عملیاتی و چه حمایت دیپلماتیک، به‌شدت به ایالات متحده نیاز دارد.

عبدالرحمن فتح‌اللهی؛ روز دوم نشست فصلی شورای حکام که سه‌شنبه برگزار شد، به بررسی پرونده فعالیت‌های هسته‌ای ایران و میزان انطباق آن با قطع‌نامه ۲۲۳۱ اختصاص داشت. در مجموع از گفته‌های مقامات غربی در نشست مذکور چنین به نظر می‌رسد که با وجود تعدیل مواضع‌شان نسبت به پرونده‌های پیشین نشست شورای حکام، همچنان انتقادات خود را به فعالیت‌های هسته‌ای ایران دارند؛ اما نکته حائز اهمیت دیگر ناظر به ادعای ضمنی مقامات غربی درباره ضرورت توافق جدید بود. دراین‌باره هوشنگ نصیرزاده در گفت‌وگوی خود با «شرق» درباره بیابیه مشترک نماینده ایالات متحده آمریکا، اتحادیه اروپا و سه کشور اروپایی عضو برجام در نشست فصلی شورای حکام، به این موضوع مهم اشاره داشت که در این سه بیابیه شاهد یک شکاف و نگرانی مجموعه غرب در قبال فعالیت‌های هسته‌ای ایران هستیم؛ بنابراین به باور این تحلیلگر حوزه سیاست خارجی اگرچه احتمال وجود سناریوی تقسیم وظایف می‌رود؛ اما به هر حال توضیحات رافائل گروسی درباره بسته‌شدن دو پرونده غنی‌سازی ۸۴درصدی و پرونده آباده (مربوان)، هنوز مورد وثوق و تأیید اعضای شورای حکام آژانس قرار نگرفته است؛ به‌همین‌دلیل نصیرزاده، به موضوع تداوم فشار سیاسی از طریق مانور غرب روی این موضوعات اشاره دارد.

آمریکا، اتحادیه اروپا و ۳ کشور اروپایی چه گفتند؟

در راستای آنچه هوشنگ نصیرزاده عنوان کرد، لارا هولکیث، نماینده آمریکا در نزد سازمان‌های بین‌المللی در وین، در نشست سه‌شنبه شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی، در بیابیه‌ای درباره نظارت و راستی‌آزمایی آژانس بر فعالیت‌های هسته‌ای به موضوع غنی‌سازی ۶۰درصدی و اهداف غیرصلح‌آمیز اشاره کرد و دراین‌باره تأکید داشت که «در گزارش مدیرکل (گروسی) تشریح شده است که ایران به توسعه فعالیت‌های هسته‌ای خود فراتر از محدودیت‌های برجام ادامه می‌دهد. به‌ویژه آنکه ما تأکید کرده‌ایم تولید اورانیوم غنی‌شده از نسوی تا سطح ۶۰ درصد هیچ هدف باورپذیر صلح‌آمیزی ندارد». در ادامه بیابیه هولیکث در نشست شورای حکام عنوان شد که «از زمان گزارش پیشین مدیرکل، ایران نتوانسته است درباره نامهمخوانی مقدار مواد هسته‌ای اعلام‌شده از طرف آن در شکافت اورانیوم فلزی شفاف‌سازی کند. توضیحات غلط فنی ایران، به کلی غیرقابل قبول هستند». ازاین‌رو نماینده آمریکا در نزد سازمان‌های بین‌المللی در وین دیدن بیابیه‌اش، تصریح کرد که «ما در سایه دستور کار پادمانی، با جدیت به موضوعات باقی‌مانده پادمانی می‌پردازیم». در بیابیه آمریکا تأکید شد که سطح همکاری ایران پایین‌تر از انتظارات مطرح‌شده در شورای حکام در ماه نوامبر است». هولکیث همچنین به بیابیه مشترک اسفندماه سال گذشته ایران و آژانس بین‌المللی انرژی اتمی ورود کرد و در این زمینه از خواست آمریکا در اجرای کامل اقدامات ذکرشده در بیابیه مشترک «اتحادیه اروپا به‌عنوان یک اولویت مهم امنیتی از نظر دیپلماتیک و سیاسی روی ازسرگیری اجرای محدودیت‌های ضروری برنامه هسته‌ای ایران سرمایه‌گذاری می‌کند تا اطمینان حاصل شود که ایران به یک سلاح اتمی دست نمی‌یابد». به ادعای نماینده اتحادیه اروپا، «خطر اشاعه تسلیحات هسته‌ای در منطقه در نتیجه پیشرفت هسته‌ای ایران افزایش یافته است.»

در بخش مهمی از بیابیه نماینده اتحادیه اروپا درباره اجرای توافق هسته‌ای (برجام) بر تعهد اتحادیه اروپا نسبت به برجام تأکید شد؛ اما در یک خواش وارونه ادعا شد «این ایران است که تصمیمات لازم را نگرفته و اقدامات لازم را انجام نداده است و در عوض، تهران به توسعه چشمگیر برنامه هسته‌ای خود ادامه می‌دهد» که به گفته نماینده اتحادیه اروپا این نگاه ایران با حمایت سیاسی کشورهای عضو اتحادیه اروپا و به نظر او، تلاش‌های متمرکز غرب برای ازسرگیری اجرای کامل برجام مغایرت دارد». از این منظر در بیابیه اتحادیه اروپا از همه کشورها خواسته شد که از اجرای قطع‌نامه ۲۲۳۱ شورای امنیت حمایت کنند.

در ادامه این بیابیه اتحادیه اروپا به تفکیک برجام و تعهدات قانونی الزام‌آور ایران ذیل آن بی‌نی‌تی هم پرداخته شد که به نظر نماینده اتحادیه اروپا برای اجرای اصرارها و مقررات جهانی عدم اشاعه تسلیحات هسته‌ای اهمیت دارند. ازاین‌رو در بیابیه اتحادیه اروپا قید